اسرار جاسوسی القانیان به نفع اسرائیل

دادگاه‌های انقلابی اسلامی‌تهران ، دیروز نیزبر وقفه وسیدگی به پرونده‌های متهمان‌زن‌پیشاه مخلوع رادامه دادند. در شعب مختلف‌این‌دادگاه ها دوتن‌ازسرشناس‌ترین سرمایه‌داران‌ایران ،حبیب القانیان و رحیم‌علی خرم- ونیز یاللهورز سابق -سپهبد ابوالحسن سعادتی‌نسب‌کنر محمد بقایی یزدی (پزشک ویژه ساواک)- ودوتن از سرپرست های اکیپ‌کمیته مشترک به‌اصطلاح ضد خرابکاری بنامهای جعفر شکروی و محمد فلاح محاکمه و باتفاق‌آراء به‌مرگ محکوم شدند. حکم اعدام‌این۶ تن که‌درمیان آنهاحبیب‌علی خرم بعنوان‌ثروتمندترین نیوله مفسدفی‌الارض » شناخته شده‌بود، ساعت یک‌بامداد امروز اجرا شد.

حبیب القانیان، مردی‌که مورخ‌بود می‌تواند ایران را بازنویس کند، دردادگاه‌به‌همکاری به‌صبوبنیسم بین‌الملل کمپانی‌های مدی کلان‌به‌اسرائیل، جهت غیر کردن میزان و فدائیان فلسطینی متهم بودو علیرغم آنکه‌این اتهم رابشدت رد میکرد، امدمدارک موجود دربرونده اوکه‌میتوان‌این ازطریق بنیدن‌المللی سازمان اطلاعات‌و امنیت ایران تهیه شده بود، نشان دهندهاین است که القانیان، نه‌تنها به‌صبوبنیسم بطور مستقیم وغیر مستقیم کمپانی‌هاکمک میکرد،بلکه براساس مدارک موجود، ازسرمایه‌داران کلیمی ایران‌بطور جدی می‌خواست که درآسیاب‌ایران سرمایه‌گذاری کنندو بدین ترتیب ثروت کشور را به‌اسرائیل‌انتقل دهند.

دیروز شعبه سوم‌دادگاه انقلابی تهران ، درحالی‌که‌این رابه محاکمه‌کشیدکه سلاح دادگاه ازحیثیت موجه‌میزد، دادگاه طبق روال همیشگی بتلاوت آیاتی ازکلام‌الله مجید ،سمیت یافت وآنگاه دادستان متن‌کیفرخواست صدورمازسوءقدامی که انقلاب اسلامی رابعلیه القانیان بشرح زیرقرائت کرد:

بسمه تعالی

دادگاه انقلاب اسلامی ایران ـتهران

دراین پرونده آقای حبیب القانیان فرزندبابی‌بشماره‌شناسنامه ۶۱۰۸۸ ازتهران ،به‌سواد جوسوبر سرمایه‌دار صهیونیسم متهم است به‌۴ دوستی با دشمنان خداو دشمنی با دوستخدا، جوسوسی به‌نفع دولت‌صهیونیستی اسرائیل . جمع‌آوری کمك واعانه به نفع‌اسرائیل و ارتش‌آن‌کشور به خاطر بمباران‌کردن فلسطین‌و ملت مسلمان عرب .

بهره‌گیری از خلود صرف درآمد درراه ضدسلام و خلق.

فساد در زمین ، بصورت از بین بردن منابع اقتصادی و نابودی‌جامعه . محاربه باخدا و رسول خدا وتمام مردم محروم‌ما . صدراه خدا ومدراه تکامل ارزش‌های انسانی واسلامی . معاونت در کشتار های‌بی‌رحمانه هرروزبه‌ایران مبارز فلسطینی .

مستندات پرونده

دلایل واقاریر موجود در پرونده که حاکی‌ازفرستادن یوداب اسرائیل وصهیونیسم بین‌المللی است. تشکیل‌جلسه بابی‌رحم‌ترین دشمنان . مثل‌موشه‌دایان و آبااَبان . دلایل خرید آپارتمان چندتاشکوه دراسرائیل برای‌تمرکزعملیات به‌نفع اسرائیل .

دادستان انقلاب اسلامی ایران

پس از قرائت کیفرخواست ، القانیان با اجازه‌رئیس دادگاه ، در مقام دفاع‌از خود ، چنین آغاز سخن کرد :

بنام متعال باید ابتدا جواب «رئیس جمهوری‌اسلامی ایران» دادگاه محترم انقلاب جمهوری ایران ! احتراما اینجانب حبیب‌القانیان اعتراض‌می‌کنم که ایرانی هستم . در ایران بدنیا آمده‌ام و دراینجا از بین می‌روم. من‌دیناری به دولت اسرائیل یا صهیونیسم نداده‌ام . هرگاه دادگاه ثابت کند که این‌جانب حبیب القانیان سرمایه‌ای برای صهیونیسم داده باشم ،حاضرم به اشد مجازات محکوم شوم ، البته به شرطی که امضای اینجانب را نشان‌دهید. من چند بار‌دار دارم . من فقط مسئول امضای خود هستم. من با دشمنان خدا دشمن و بادوستان خدا دوست هستم . من مخالف دولت صهیونیستی اسرائیل هستم، چرا که‌من یك کلیمی ایرانی هستم .

در اسرائیل دو فرقه کلیمی هست ، یکی‌سفارادی ویکی اشك‌نازی که ۸۵ درصد اسرائیلی‌ها اشك‌نازی هستند ، که اغلب اروپایی و آمریکایی هستند . پس‌بین ۸۵و درصد سفارادی وجود دارد که جزءسفارادی‌های یهودی هستم . گروه اکثریت ، ما را قبول‌ندارند.بنابراین من که در اسرائیل جزء اقلیت ها بحساب می‌آیم ، چگونه ممکن است به‌اکثریت کمك کرده باشم . من‌فقط به ارتش اسرائیلی کمك نداده‌ام ، چگونه ممکن است حاضر شوم بارتش‌دیگری کمك کنم که شبانه برادران فلسطینی‌ما رابمباران میکند. من حاضرم باجان و دل به جنك اسرائیل بروم ، چون ایرانی هستم . من افتخار می‌کنم که دارای سیمی از کارخانجات پلاسکو ،ملایین پلاستیك شمال ولوله شمال و همچنین کارخانه پارس‌امریکا ، سازنده بخچال های‌جنرال‌استیل وپروفیل آلمینیوم می‌باشم . با کمال‌قدرت وقوت اعلام‌می‌کنم در ایران از گدای‌گدا ، تا امان ایران خانه‌ای از پیدا نخواهید کرد که کلایی به‌دست‌نیمی‌من تهیه شده ، پیدا نشود ولی آنکه من مملکت مملکت را می‌خواهم . والبته منفعت خودم را هم می‌خواهم . من‌دارین ۵۳ روز که زندانی هستم ، تمام حقوق کارگران خود را پرداخت کرده‌ام .

دادگاه محترم به این مسئله توجه کنید که لوازم اولیه کارخانه های من پاید خریداری شود و این خرید ها توسط من صورت می گیرد، اگر من نباشم ، کارخانه ها از بین می رود و خطراتی بوجود می آید . تنها اشتباه من این است که ۳۰ سال عضو اتاق بازرگانی و صنایع بودم.

چرا اسرائیلی‌ها جنك میکنند ؟

حبیب القانیان پس از آنکه شرح مفصلی از سرمایه ـ گذاری های انتفاعی و غیر انتفاعی خود به دادگاه دادتاکید کرد که نه تنها به صهیونیسم کمك نکرده ، بلکه با اسرائیل هم مخالف بوده است. دادستان درپاسخ اظهار داشت: القانیان می گوید من بااسرائیل همکاری نداشتم. اولا این سئوال مطرح است که چنانچه‌این که با صهیونیسم، مخالفید، چگونه جنك خودرا اعلام کردید ابتدا خطاب «طنان » وهمکیشان شما، مخاطب قرار میدهند. ایشان می گویند اولین‌کشور خارج از ایران ندارم: آنچه که منعکس است و گزارش‌شده، آقای القانیان در اسرائیل، نزدیك تل‌آویو ، چند قطعه زمین خریداری کرده است. راجع به این موضوع چه توضیحی دارید؟

القانیان : من باچند تن ازدوستان کلیمی خودصحبت کردم و گفتم: اسرائیل خود بمیزان جمعیت دارد؟ گفتند ۲ میلیون آلی ۳،۵ میلیون . گفتم اسرائیلی‌ها که این همزمین دارند و زندگی خوبی دارند و بهترین گراوات هارا می‌زند، چرا جنگ می کنند و کشتار براه می اندازند؟

دادگاه: شما به مقامات اسرائیلی پیامی نداده‌اید؟

القانیان: خیر: من فقط بارفقای خود در این مطلب هارا درمیان می گذاشتم اگر یك متر از زمین‌های خریداری شده من در اسرائیل پیدا کردید، همین الان دستهای مرا قطع کنید و شب هم مرا تیرباران کنید. البته بازهم می گویم،اگر به امضای خود می باشد.

خرید زمین در تل‌اویو

دادگاه: این ادعا قابل قبول نیست، ما نمی توانیم این اسناد را از کشور اسرائیل که دشمن ماست، بدست بیاوریم ولی به گزارش ساواک می توانیم استناد کنیم که این سازمان با مسیاء هم همکاری داشت ودر اوج قدرتشما این گزارش تهیه شد. طبق نامه ساواک به شماره ۲۱۹۹۹ مورخ ۵۲/۶/۲۹ کمدر آن نوشته شده که طبق اطلاع حبیب القانیان چند قطعه زمین به بهای بیش از یك میلیون دلار در اسرائیل خریده است. القانیان سرمایه خودرا از ایران خارج کرده و زمین های خریداری شده او از اسرائیل ، گران شده است . این‌گزارش هایعدا نیاز به شرح چند تن از ماموران ساواک دارم. تائید شده است دراین نامه هاتشویق شما برای مهاجرت کلیمیان به اسرائیل هم تائید شده‌است.

حبیب القانیان علیرغم مدارکی که از ساواک بدست آمده، هرگونه همکاری و سرمایه گذاری اسرائیل را انکار کرد.

براساس گزارش‌های ساواک و سازمان های دیگر که در پرونده آنهمی القانیان موجود بوده اوتفتیس‌سرمایه‌گذاری های داخلی‌وخارجی ، بویژه کمك‌به‌اسرائیل کرده ،بلکه در یکی از گزارش‌های رسمی دولتی‌به‌تاریخ ۴۷/۱/۱۵ وبه‌شماره ۲۵۳۱۳ آمده‌است‌که‌در جلسه‌ای بحضور عده‌ای ، حبیب القانیان ضمن سخنرانی سیصد هزارتومان هزینه تهیه سکه هایی بمناسبت جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی اختصاص داده که باشکل‌وسکه صهیونیست ایران چش‌هاو روی سکه علامت صهیونیسم حالشده اختصاص دادوو سکه هراضرب کرده است.

شاه را طاغوت میدانستم

القانیان باتاکید براین‌که تاکنون فقط ۶ الی ۷بار به اسرائیل آنهم‌بخاطر معالجه چشم سفرکرده‌از خود دفاع کردو گفت‌خواست دادستان را مردود دانست، وی بااین اشاره که بخاطر گرانفروشی در۱۲ فروشگاه بلاستیك فروشی دستگیر شده ولی درطول زندگی‌خدمانی انجم دادمو داده شده واطاعتوت میدانسته ونیز یهودیا اختلاف داشته، از دادگاه تقاضای عفو کرد.

القانیان دو بخشی از سخنان خودکه راجع به حکومتیش به جرم‌گرانفروشی بود،اظهارداشت: هرایه سنندچمیدکردند، بعدازآن حکومیت خود بایستگانم تماس گرفتم که بفروردگاه بپیندوقتی از سنندچ دهواییما بتهران دادمو دادم شده ،مموزن دولت هویدا مرادستگیرکردند وبعدبه ۶۱روز زندان محکوم شدم. پس‌از طلوردرآن‌محکومیت،هویدامرااحضار کردو بمن گفت. زندانی شدنت، سوء تفاهم بوده،راجع به‌این موضوع باکسی صحبت نکن.

مدافعات خرم

شعبه سوم‌دادگاه انقلابی اسلامی‌ایران ، دیروز محاکمه رحیم‌علی خرم، سرمایه‌دار معروف‌ایران پیروزی به‌اعدام وی‌داد.

در آغاز پس‌از قرائت آیاتی ازکلام‌الله مجید، متن کیفرخواست‌علیه خرم به شرح‌زیر قرائت شد.

بسمالله القاسم الجبارین

شعبه سوم‌دادگاه انقلابی اسلامی‌ایران

متهم، اظهار داشته‌که بعمل‌بی‌سوادی نمی‌توانند کیفر- خواست رابخوانند، ولی قبلا کیفرخواست به متهم تفهیم شده است و بدویک پرونده قرائت میشود.

بسمالله الرحمن الرحیم

ریاست محترم‌دادگاه انقلابی اسلامی‌تهران، دراین‌پرونده رحیم علی‌خرم به شماره شناسنامه ۱۳۴سوم‌بی‌سواد، ساکن شاه‌آباد شمیران ،فرسیده‌به بیست‌متر شمیران ، متهم‌است: **۱ـ مشارکت و معاونت در قتل و ضرب.**

۲ـاستفاده‌ازمطلوم ایران باتوسل بقدرت‌و زور .

۳ـدایرکردن قمارخانه‌و مراکز فحشاء حسب محتویات پرونده در تابان‌دراز «واسطه بردن بمرزیم شاه مخلوع و ازاین راه ثروت‌هنگفت بدست آورده» ازجمله شرکت‌اسفالت- هلل خرم» پارك خرم «وسمدا آپارتمان و مبالغ‌هنگفتی موجودی دربانکها وغیره ودراین مسیر از ارتکاب قتل‌وغارت «بایی قداشت‌کماز طریق عامل ساواك ، اعمال‌سیری ، حمایتمیشد.

دلایل موجود در پرونده :

شعبهٔ سوم دادگاه انقلابی اسلامی‌ایران نیز بعداز ظهر دیروز ، پس از چهار ساعت رسیدگی، دکتر محمد بقایی‌یزدی ، رئیس پیمانهای سازمان منحله ساواك ووکیل مجلس رستاخیزی را مجرم شناخته و به اعدام‌محکوم‌کرد.

دکتر محمد بقایی‌یزدی که پنجاه سال داشت متهم بودبه ۱ـ محاربه باخدا و رسول خدا ۲ـ فساد در زمین۳ـ شرکت و معاونت در شکنجه مردم برگناه ٤ـ اعمال فشار واختناق ۵ـ کوشش در تثبیت رژیم به وسیله شرکت در جلسه فرمایشی شاه در دو دوره ٦ـقرار های سریع وی درپرونده .

دلایل پرونده عبارت است از :

۱ـ اجرای مقام های ضدمردمی و خدمت صادقانه‌در سازمان مسور اطلاعات و امنیت . ۲ـ احراز سمت داوی ضدانسانی و ضدملی در مجلس شورای ملی .۳ـ شکایت شکات .

پس از قرائت کیفرخواست دادستان دادگاه انقلابی اسلامی ایران برای متهم تقاضای شدیدترین مجازات رااز دادگاه نمود.

دکتر محمد بقایی‌یزدی در دفاع‌از خوداظهار داشت : کیفرخواست مسئله من در حال‌حاضر این است که من معتقدم مرگ براستی برای هرانسانی حسن و هرکس پکروز میمیرد ولی نسبت بعضی اتهامات پرونده به‌من که یکاعمر در خدمت‌مذهب وبیدفکر آبروی خانوادگی خود بودهام بعداز مرگ روح مرامغاید خواهد داد ، من همیشه در زندگی خود طوری رفتار کردهام که‌به‌کسی لطمه‌نخورد، ولی نیزکردم ،ولی آنها مرا درکنار قاتلان و جانوکشها زندانی کردند. من آدم آزادیخواهی هستم. پدرمهم‌آزادیخواه بود. من حاضرم پرونده‌ها و قرارداد های خود رابدادگاه بیاورم .من‌برای آزادکردن زندانی ها فعالیت می‌کردم .

دادگاه: آنچه طریقی برای نجات زندانیان فعالیتمی- کردید ؟

خرم: من‌جوانا دنبال کارآنها بودم، مهندس ارداقی، محکوم به اعدام شدبود، جزئیکه به۱۵۰ سال زندان محکوم شدبود ،بتهیسار بختیاربول دادو بختیار آنهارآزاد کرد. مهندس نظری۱۷ سال محکومیت داشت، پول دادم آزادشد. تیمسار آزموده باآنها دشمنی داشت و زندانی‌شان کردبود ولی من بعکبك بختیار آنها را آزادکردم آقایی بنام‌ایاسوتری، دادستان‌زنجان بودکه کار اوراهم درست کردم . قاضی‌نامی بود کهگرفتاری داشت، کاراورا هدرست کردم . شهیدی نامی هم بودکه کاراو راهم درست کردم . دکتر لاهیجی می‌داند که مه‌چه کمکهایی کردم. ازوقتی که‌دختر خواجوی رانصیری بعزنی گرفت بمن بااو آشنا شدم بنمیس روزیکه میگفت می‌خواهم ویلا بسازم می‌رمایش‌دو ویلا ساختم، واو پانصدهزار تومان بمن دادو ۷۰۰ هزار تومان بوام را خورد ! من آلیوبه رااززندان‌نجات دادم .

دادگاه : چگونه ؟

خرم: زندیدوزمی‌دانست کهمن‌با نصیری دوست هستم. بهمین جهت اورا نجات دادم.

شاه نصیری رافرق دربول کرده بود و هرچه شاه میگفت. نصیری کورکورانه‌انجام می‌داد. وقتی کارساختمانی پارك خرم تمامشد، شریف امامی مراخواست و گفت ۵۰ درصد کاری راباید بمجاید یهوی بدهی میگفتم درحالی که ۲۱درصد ازپارك سهم دارم، چگونه ۵۰درصد سهم را بمنبلد بدهم. شریف امامی باعصبانیت گفت: من‌این چیزها سرنمی- شود، ۲۰ روز مهلت قرار کمابیکار رابکنی پس‌از ۲۰ روز، شکایتی علیمن بعدادسرای تهران شد که از طریق دادسرا احضار شدم، طرف شکایت مرشاه بود وظاهرا پارك خشك شدماست .

من از سال۳۸ تاکنون ۱٦بار بدلیل مخالفت باشاه‌بزندان افتادهام .

در این موقع‌بنابه درخواست معاون دادستان ، یکی از کارکنان‌پارك خرم ،باسوگند به‌کلام‌الله مجید، علیه خرم شهادت داد . وی گفت :

باچشمهای خود دیدمام شخصی به رفتار نگهبانان پارك‌خرم اعتراض کرد و نگهبانان اورا جلوی دوشیردردنده خرم که دربارك نگهداری‌می‌شدند ، افکندند وشیرها آن شخص را بازمیاره کردند ! بعد ، نگهبانان، جسد پارچاره شده آن شخص را بهیرون پارك بردند و سربه‌نیست کردند . یکبار دیگر موقعی که به مردخانه پارك رفتم که مخصوص نگهداری مواد غذایی بود ، دو جسد انسان را دیدم .

وی‌ادامه‌داد : آقای خرم و عوامش ۱۸۰ دخترفریب‌بیش از درهشترکهبود وداور به اعمال ناشایست میکردند و از ایدراه پول کلانی‌به جیب میزدند . یکبار دیگر باز شاهد ماجرایی بودم . یکی از نگهبانان پارك نسبت بدپك کمرگ رفتار توهین‌آمیزی داشت و سرگرد افتاخرکرد ومورد ضرب وشتم قرار گرفت،همسر سرگرد که همراهش بود با التماس و خواهش گفت شوهرم را کتك نزنید . اوبیماری قلبی دارد ولی آنها بجای آنکه از کتك‌کاری دست بردارند ، زن‌رابم بباد کتك گرفتند در اینمورد علیه نگهبانان و خود خرم که در جریان بود ، به پاسگاه ژاندارمری محل شکایت شد ولی بانفوذی که خرم در ژاندارمری محل داشت ، یکی از ماموران ژاندارم‌ری قبلا به‌خبرنزنانذر و گفت با شکایتی که علیه نگهبان شده ، ظاهرا برای دستگیری او خواهیم آمد اما او را فراری دهید . وقتی ماموران آمدند ، مسئولان پارك گفتند که نگهبان اخراج شده ، در حالی که اخراج نشده بود و دربارك بود .

خرم در مورد واسطگی هزینه‌شان و خواندگان سرشناس آن روزگار کشور و گفت : چنین چیزی دروغ است و من‌آنان را دراختیار کسی نگذاشته‌ام .گوگوش مثل دختر خودم بود چون‌پدرش‌را۱۳ سال قبل‌می‌شناسم، لسرین را هم‌می‌شناسم ، ولی یك شب برنامه بسیاری دربارك اجرا می‌کرد ، خوشم نیامد و او را دیگر ندیدم . همین شخص ضمن شهادت خود گفت : اغلب دربارهان از جمله مادر ثانثی‌شاه غلامرضا پهلوی و مادر فرح ، نازك پهلوی دختر حمیدرضا پهلوی‌وخیلی‌های دیگر از دربارهان برای خوشگذرانی به عشرتکده هزارتافکی خرم واقع دربارك خرم‌می‌آمدند . من چندین‌بار شاهد مفاسدنازك پهلوی هم‌بودم .

همچنین شعره خوانده شد، نیز جزو مشوقه های علی بود و من بچشم خود چندین‌بار آنهارا در حال مماشقه و همخوابگی دیدم. در پارك خرم دخترها وپسرها و نامزد های جوان را که حتی بلند صحبت می کردند، بازندیك بهم راه می رفتند ، بمجرم مزاحمت برای خانواده‌ها می گرفتند وپسر را به اتاق انتظامات می بردند و پس از گرفتن تعهد، آزاد می کردند . ولی‌دختر راهمرد خانوادگی‌رهاشده‌اند دیگری از همین ماجرا ها دختری که از دست متجاوزین گریخته بود ، در یکی از اتاقهای همان مشترکه آن دختر گرفتارشد و بطرز ججیبی بقتل رسید.

روزی نیز شاهد مکالمه جندتن از محافظان خرم بودم که گویا خرم به علت اختلاف بایك مالك در شمال کشور به محافظان خود، دستور داده بود ، آن مالك رابکشند ومحافظان ابنکار راکرده بودند. وی همچنین گفت درانبانی پارك خرم ، یك گورستان اختصاصی برای قربانیان خرم اختصاص یافته بود .

شاهد دیگریکه مدیر رستورانی در تهران بود و اغلب رحیم علی خرم برای صرف غذا به آنجا می‌رفت ، گفت : معمولا در رستوران ما غذا برای چهار نفر حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان تمام می شد، ولی هرباركه رحیم علی خرمبرای صرف غذا همراه دوستانش به آنجا می آمد، حدود ۱۵۰۰ تا۲۰۰۰ تومان بول غذا میپرداخت. خرم همیشه باشخصی‌که ترتیب ملاقات های اورا بازنها می داد، هم‌از ۱۰ الی ۲ زن به رستوران ما می آمد و همیشه عادت داشت بازنها ، وره بپردد.

خرم در مقابل شهادت این دوتن، انکار کرد و گفت اینها بامن دشمنی دارند. دختر های فیلیپینی ۱۵ نفر بودند نه ۱۸۰ نفر راجع به شبر ها نیز ابتدا همچیز را انکارکرد ولی گفت کسی که شبر ها اورا دریدند، لابد « شیطانی » کرده است! خبردهروبرد حضور مادر ثانثی شاه درمشترکه بگفت: او دیوث همسر من بود و اصلا بستان نداشت تابتواند عیاشی کند! پستمانهای را که سرطان داشت بریده بودند.

جریان محاکمه دکترباقی یزدی

شعبهٔ سوم دادگاه انقلابی اسلامی‌ایران نیز بعداز ظهر دیروز ، پس از چهار ساعت رسیدگی، دکتر محمد بقایی‌یزدی ، رئیس پیمانهای سازمان منحله ساواك ووکیل مجلس رستاخیزی را مجرم شناخته و به اعدام‌محکوم‌کرد.

دکتر محمد بقایی‌یزدی که پنجاه سال داشت متهم بودبه ۱ـ محاربه باخدا و رسول خدا ۲ـ فساد در زمین۳ـ شرکت و معاونت در شکنجه مردم برگناه ٤ـ اعمال فشار واختناق ۵ـ کوشش در تثبیت رژیم به وسیله شرکت در جلسه فرمایشی شاه در دو دوره ٦ـقرار های سریع وی درپرونده .

دلایل پرونده عبارت است از :

۱ـ اجرای مقام های ضدمردمی و خدمت صادقانه‌در سازمان مسور اطلاعات و امنیت . ۲ـ احراز سمت داوی ضدانسانی و ضدملی در مجلس شورای ملی .۳ـ شکایت شکات .

پس از قرائت کیفرخواست دادستان دادگاه انقلابی اسلامی ایران برای متهم تقاضای شدیدترین مجازات رااز دادگاه نمود.

دکتر محمد بقایی‌یزدی در دفاع‌از خوداظهار داشت : کیفرخواست مسئله من در حال‌حاضر این است که من معتقدم مرگ براستی برای هرانسانی حسن و هرکس پکروز میمیرد ولی نسبت بعضی اتهامات پرونده به‌من که یکاعمر در خدمت‌مذهب وبیدفکر آبروی خانوادگی خود بودهام بعداز مرگ روح مرامغاید خواهد داد ، من همیشه در زندگی خود طوری رفتار کردهام که‌به‌کسی لطمه‌نخورد، ولی نیزکردم ،ولی آنها مرا درکنار قاتلان و جانوکشها زندانی کردند. من آدم آزادیخواهی هستم. پدرمهم‌آزادیخواه بود. من حاضرم پرونده‌ها و قرارداد های خود رابدادگاه بیاورم .من‌برای آزادکردن زندانی ها فعالیت می‌کردم .

دادگاه: آنچه طریقی برای نجات زندانیان فعالیتمی- کردید ؟

خرم: من‌جوانا دنبال کارآنها بودم، مهندس ارداقی، محکوم به اعدام شدبود، جزئیکه به۱۵۰ سال زندان محکوم شدبود ،بتهیسار بختیاربول دادو بختیار آنهارآزاد کرد. مهندس نظری۱۷ سال محکومیت داشت، پول دادم آزادشد. تیمسار آزموده باآنها دشمنی داشت و زندانی‌شان کردبود ولی من بعکبك بختیار آنها را آزادکردم آقایی بنام‌ایاسوتری، دادستان‌زنجان بودکه کار اوراهم درست کردم . قاضی‌نامی بود کهگرفتاری داشت، کاراورا هدرست کردم . شهیدی نامی هم بودکه کاراو راهم درست کردم . دکتر لاهیجی می‌داند که مه‌چه کمکهایی کردم. ازوقتی که‌دختر خواجوی رانصیری بعزنی گرفت بمن بااو آشنا شدم نمیس روزیکه میگفت می‌خواهم ویلا بسازم می‌رمایش‌دو ویلا ساختم، واو پانصدهزار تومان بمن دادو ۷۰۰ هزار تومان بوام را خورد ! من آلیوبه رااززندان‌نجات دادم .

دادگاه : چگونه ؟

خرم: زندیدوزمی‌دانست کهمن‌با نصیری دوست هستم. بهمین جهت اورا نجات دادم.

شاه نصیری رافرق دربول کرده بود و هرچه شاه میگفت. نصیری کورکورانه‌انجام می‌داد. وقتی کارساختمانی پارك خرم تمامشد، شریف امامی مراخواست و گفت ۵۰ درصد کاری رابایدبمجاید یهوی بدهی میگفتم درحالی که ۲۱درصد ازپارك سهم دارم، چگونه ۵۰درصد سهم را بمنبلد بدهم. شریف امامی باعصبانیت گفت: من‌این چیزها سرنمی- شود، ۲۰ روز مهلت قرار کمابیکار رابکنی پس‌از ۲۰ روز، شکایتی علیمن بعدادسرای تهران شد که از طریق دادسرا احضار شدم، طرف شکایت مرشاه بود وظاهرا پارك خشك شدماست .

من از سال۳۸ تاکنون ۱٦بار بدلیل مخالفت باشاه‌بزندان افتادهام .

در این موقع‌بنابه درخواست معاون دادستان ، یکی از کارکنان‌پارك خرم ،باسوگند به‌کلام‌الله مجید، علیه خرم شهادت داد . وی گفت :

باچشمهای خود دیدمام شخصی به رفتار نگهبانان پارك‌خرم اعتراض کرد و نگهبانان اورا جلوی دوشیردردنده خرم که دربارك نگهداری‌می‌شدند ، افکندند وشیرها آن شخص را بازمیاره کردند ! بعد ، نگهبانان، جسد پارچاره شده آن شخص را بهیرون پارك بردند و سربه‌نیست کردند . یکبار دیگر موقعی که به مردخانه پارك رفتم که مخصوص نگهداری مواد غذایی بود ، دو جسد انسان را دیدم .

وی‌ادامه‌داد : آقای خرم و عوامش ۱۸۰ دخترفریب‌بیش از درهشترکهبود وداور به اعمال ناشایست میکردند و از ایدراه پول کلانی‌به جیب میزدند . یکبار دیگر باز شاهد ماجرایی بودم . یکی از نگهبانان پارك نسبت بدپك کمرگ رفتار توهین‌آمیزی داشت و سرگرد افتاخرکرد ومورد ضرب وشتم قرار گرفت،همسر سرگرد که همراهش بود با التماس و خواهش گفت شوهرم را کتك نزنید . اوبیماری قلبی دارد ولی آنها بجای آنکه از کتك‌کاری دست بردارند ، زن‌رابم بباد کتك گرفتند در اینمورد علیه نگهبانان و خود خرم که در جریان بود ، به پاسگاه ژاندارمری محل شکایت شد ولی بانفوذی که خرم در ژاندارمری محل داشت ، یکی از ماموران ژاندارم‌ری قبلا به‌خبرنزنانذر و گفت با شکایتی که علیه نگهبان شده ،

انگیزه ترور استاد مطهری باید کاملا روشن شود

در این مجلس که حضرات آیات عظام مرعشی نجفی، گلپایگانی و گروه کثیری از روحانیون و طبقات مختلف مردم حضور داشتند ، حجت‌الاسلام آقای‌گلسرخی استاد حوزه علمیه قم ، در انتقاد تروراستاد مطهری بر داخت و از خدمات‌ارزنده و انسانی آن شهید تجلیل کرد .

حجت‌الاسلام گلسرخی استاد حوزه علمیه قم ، در سخنرانی خود از روش رادیو و تلویزیون کله ـ شناسائی و عل ترور استاد مطهری بر مبنی مناسبت های استاد آنطور که باید وشاید مسائل را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نداد انتقاد کرد و بعد به سخنرانهایی‌که «یزدی»را اخیر بر مناسبت آن شهید بزرگ کشتگان از مدخل مدرسه با شعار های تاخون در رگ ماست خمینی رهبرماست» و مطهری مطهری شهادت مبارکه در خیابان ها شده است‌اشاره کرد وگفت:

به مناسبت هفتمین روز شهادت‌آیت‌الله استادمطهری دیروز مجلس یادبودی در طرف حضرت آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری‌در مدرسه‌فیضیه قم برگزار شد .

در این مجلس که حضرات آیات عظام مرعشی نجفی، گلپایگانی و گروه کثیری از روحانیون و طبقات مختلف مردم حضور داشتند ، حجت‌الاسلام آقای‌گلسرخی استاد حوزه علمیه قم ، در سخنرانی مشروحی به انگیزش تروراستاد مطهری پرداخت و از خدمات‌ارزنده و انسانی آن شهید تجلیل کرد .

حجت‌الاسلام گلسرخی استاد حوزه علمیه قم ، در سخنرانی خود از روش رادیو و تلویزیون کله ـ شناسائی و عل ترور استاد مطهری بر مبنی مناسبت های استاد آنطور که باید وشاید مسائل را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نداد انتقاد کرد و بعد به سخنرانهایی‌که «یزدی»را اخیر بر مناسبت آن شهید بزرگ کشتگان از مدخل مدرسه با شعار های تاخون در رگ ماست خمینی رهبرماست» و مطهری مطهری شهادت مبارکه در خیابان ها شده است‌اشاره کرد وگفت:

این منطقی‌نیست که گوینده ها و سخنرانان در رادیو تلویزیون این نرور را به کمونیست ها و چپ گراها و از یکطرف دیگر به امپریالیسم یا عوامل سیا نسبت دهند. اگر بگویم‌این دودرت با هم همکاری کرده‌اند این تناقض‌در کلنار وبی مطالعه حرف زدن‌است. من معتقدم قبل از اینکه برای قطعی صادر شود گویندهها تاانتکه انگیزه تروررو ایبکه از جانب کدام گروه یا دسته انجام شده است بدرستی معرفی گردد .

این‌امرسبعد از ظهردیروز نیز با حضور امام خمینی و آیات عظام ادامه یافت و پس از ختم مراسم شرکت کنندگان از مدخل مدرسه با شعار های تاخون در رگ ماست خمینی رهبرماست» و مطهری مطهری شهادت مبارکه در خیابان ها به راهپیمائی پرداختند.

آقای مطهری یکی از سال ۳٦ با ساواک همکاری داشته و در ۱۵ خرداد ۱۳٤۲ هم که خبرداشته چه افرادی شهید شدند ایشان در همان زمان گزارشی به مدیریتکل اداره ششم نوشته‌اندو اعلام کرده‌اند چون اعتبارنامه‌نمایندگی ایشان رسید مراتب را اعلام میکنم و با سپاسگزاری ازاولیاء سازمان از خداوند توفیق کامل در راه خدمت به شاهنشاه وملت ایران مینمایم .

دکتر بقایی یزدی : بخدا تعارف بود .

دادستان: این‌نامه هرگزنکش دادرسال ٤۲می- رسانده، ایشان در تاریخ۵۲/۷/۷ یك قطعه مدال از دربار گرفته‌اند بوده‌که‌مموزن‌دیگران دراین سازمان‌نیز بودهاست ، درزمن تصدی ایشان درداره بهزاری ساواك وقتی شکنجه‌گران دکتر غلامحسین سعادی نویسنده مشهور را شکنجه میکردند، ایشان بودند که‌درمان‌های خوب خود کرشساعدی رابرای عمل شکنجه های بعدی‌آماده میکردند اینکار بارهو بزرگ اداه‌ماندت.

بقایی یزدی: ولی‌من بدکتر ساعدی خیلی کمك کرده بودم دراغیرایصورت زیر شکنجه کشته‌میشد.

دادستان: دکتر بقایی یزدی شمه‌کافین وضعیت را می دیدید چه اقدامی کردید درجهت افتاگری این رژیم ۳سلله خدمت‌درپیمانهای سازمان امنیت وبیدارباوین مسئله سه‌دهای نسبت همانطور که شما گزارندرك میکنید بیشتر ازهرکس دیگر درجریان شکنجه زندانیان بودید، چه‌اقدامی کردید؟ مامیگویم شما هیچ‌اقدامی نداده‌اید و برای هیچ زندانی درزیر شکنجه فوت‌شده هیچ‌از دفن صادر نکردید، ولی آیاباین‌نداشتید که اینهاچه بسرشان میامده ، درپرونده شما هست که درهمین سازمان امنیت رئیس مافوق شمابه شما نمره عالی دادمو نوشته کهشما از هیچ‌کوشش دریوکردان نبودهاید، ازطرفی دادسرای انقلاب مدعی است که متاسفانه وکلای مجلس درصفی‌بودندکه سمی‌ردنقونی‌جلوه‌دادن اعمال کثیف رژیم گذشته‌داشته‌اند، آقای دکترباقی یزدی شمه‌که میگوئید رافرار از ساواك راداشته‌اید در پرونده شمانمه‌ای است که درمتن‌آن‌شما ازشه تقضا کرده‌اید اجازه دهد به شما هزمان با دورهوکالتان اجازه همکاری با ساواك نیز داده شود.

دکترباقی یزدی به‌عنوان آخرین دفاع اظهار داشت : همانطورکه گفتم من فقط یك اشتباه کردم آنهم‌دفن به‌ارثتن بودبه‌بقیه‌کردها دست خودم نبود، من‌درهمین زندان قصر ماموزندان افسران توده‌ای زندانی بودم، آنها رامعالجه میکردم و گهی شبرابه درخانه‌هایشان میرفتم وبه وضیزندان بچه‌آنها رسیدگی میکردم، من‌دردم دوران خدمتم دودشمن قوی داشتم هویداو نصیری واین دوفقر بودندکه‌مرا زندان انداختند ،من‌باید درایران کار میکردم ودرایران آفتاده بودم، کار دیگرکارزدستم ساختنبود، چندبار تصمیم گرفتم دست زنم رابگیرم بروبخارج بروبولی درآنجا اجازه طبابت نداشتم ،از دادگاه تقضای ای عادلانه دارادم.

در شعبه دوم

شعبه دوم دادگاه انقلابی‌اسلامی ایران دیروز به‌اتهامات دوتن از سرپرست های‌کیپ گشتی کمیته بامصطلاح ضد خرابکاری رسیدگی کردوآن را مستحق مرگ دانست .

این دوتن محمد فلاح و جعفر شکروی بودند که براساس کیفرخواست متهم به موادزیربودند:

محاربه باخدا و پیامبر خدا، فساد در زمین ، قتل و کشتار مردم آزادهای که بشریت محروم را به قسط و عدالت دعوت میکنند. اعمال قدرت و اختناق پلیسی و تحکیم سلطه جابرانه حکومت استبدادی‌ودیکتاتوری‌وکوشش‌دربه فسد کشاندن نسل جوان وفعل مردم مسلمان علیه خدا،راه پیروزی مردم، راهنگ‌ولوراهی که تحقق تمام خواست های انسانی درآن است .اعمل شکنجه‌های قرون وسطایی و غیر انسانی به‌بهترین فرزندان آدمی.

مراسم شب هفت

حزب جمهوری اسلامی طی اطلاعیه‌ای ، از مرد